



تولید قائمه اقتصاد است و رشد آن الزامات متنوعی دارد که غالباً از سوی خیرگان مطرح می‌شود اما درباره تأثیر جلوگیری از انباشت ثروت در رشد تولید کمتر بحث شده و به عبارتی حق مطلب ادا نشده است. انباشت سرمایه غالباً از سوی یک طبقه خاص (بیکارشی) برای تأمین خواسته‌های رنگارنگ خود انجام می‌شود و غالباً نیز بدون نیاز به کار، ثروت زیادی نصیب‌شان می‌شود. طبعاً در چنین وضعی، انتظار رشد تولید از گذر کسبجو کار، قرین به صواب نیست، بنابراین باید این عارضه علاج شود.

توماس پیکتی (Thomas Pikett) اقتصاددان و پژوهشگر فرانسوی که بیشتر او را با نگارش کتاب «سرمایه در قرن بیست‌ویکم» می‌شناسند، با تمرکز بر ثروت و توزیع درآمد در ۲۵۰سال گذشته، استدلال می‌کند نرخ بازگشت سرمایه در کشورهای توسعه‌یافته بیش از نرخ رشد اقتصادی است و این باعث نابرابری در ثروت در آینده می‌شود. وی با بررسی اسناد موجود در آرشیو دولت‌ها در امریکا و اروپا و تأثیر درآمدت روند انباشت سرمایه در آن کشورها نشان می‌دهد که از ۱۰۰ سال اخیر، همیشه نرخ رشد اقتصادی، کمتر از نرخ بازده سرمایه بوده است، به طوری که نرخ رشد اقتصادی کشورهای صنعتی در قرن اخیر، عموماً بین صفر تا ۴درصد در نوسان بوده است، در حالی که متوسط بازده سرمایه، در درآمدت حدود ۵درصد است، بنابراین سرمایه‌داران، به مراتب سریع‌تر از آن کسالتی که از این راهکار کسب درآمد می‌کنند، ثروتمند می‌شوند. پیکتی نشان می‌دهد، سرعت رشد فاصله طبقاتی دقیقاً به فاصله میان رشد اقتصاد و نرخ بازده سرمایه بستگی دارد. اگر نرخ بازده سرمایه و نرخ رشد اقتصادی برابر باشند، میزان افزایش ثروت با میزان افزایش درآمد مزدگیران کم‌وبیش متناسب خواهد بود. اما مالیات بر ثروت، راه‌حل پیشنهادهی پیکتی برای برون‌برد جهت از نابرابری نرخ بازده سرمایه با نرخ رشد اقتصادی است. چنانچه به‌ازم عم وی، مالیات بر درآمد هر چقدر هم بالا باشد، هرگز قادر نیست سبزی انباشت قدرت در دست سرمایه وراثتی و اعمال سلطه آن بر حیات جامعه را مهار کند.

■ اثر مستقیم مالیات در مهار تورم و رشد تولید

علی ملکزاده، کارشناس اقتصادی درباره جایگاه

مالیات در «مهار تورم، رشد تولید» به «جوان» می‌گوید: «موضوع مالیات با توجه به کارکرد آن می‌تواند در مهار تورم و رشد تولید اثر مستقیم و ویژه‌ای به همراه داشته باشد. مالیات‌ها ممکن است به منظور افزایش

یادداشت میهمان رضالطفی*

هر ساله در لحظات آغازین سال نو، رهبر معظم انقلاب اسلامی با تبیین وضع موجود کشور و با علم بین مشکلات و آرزمان‌ها شعاری را ابلاغ می‌کنند. این شعار که واقع‌بینانه و مبتنی بر ضرورت‌ها و اولویت‌های جامعه است، در ربط و نسبت با وضع سابق جامعه و افق آتی است، از این رو باید آن را با منظومه فکری و راهبری ایشان و در کنار شعارهای سال‌های پیشین بر مسجرد، ایشان از سنال ۱۳۶۹ در پیام نوروزی قیامگر، از مسائل کشور تأکید داشتند تا اینکه در سال ۱۳۷۸ به طور رسمی در پیام نوروزی خود عنوانی را برای این سال برگزیدند و آن زمان تاکنون این راهبرد ادامه داشته است.

در طول دهه‌های ۷۰ و ۸۰ نامگذاری سال‌ها با توجه به مسائل مختلف جامعه و ضرورت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت حرکت به سمت تمدن اسلامی و فارغ از تکیه خاص بر یکی از ابعاد اجتماعی صورت گرفته، اما از اواخر دهه ۸۰ تاکنون تأکید اصلی رهبری بر مسئله اقتصاد بوده است. ایشان حتی پیش از گرفتاری اقتصاد به صنایع و تارتاری‌های امروزی توجه ویژه‌ای به مقابولسازی اقتصاد داشتند و اصطلاح اقتصاد مقاومتی را اولین بار در سال ۱۳۸۹ در دیدار با کارآفرینان مورد استفاده قرار دادند. ایشان راهکار اصلی برون‌رفت از مشکلات اقتصاد مقاومتی است و آن را به عنوان

اقتصادی مقاوم، حامی تولید، مردمی، درون‌زا و برون‌گرا در مقابل کار شکنی‌ها و خیانت دشمن تعریف کرده‌اند. امسال نیز ایشان در ادامه تأکید بر مسائل اقتصادی و با تأکید بر اینکه مهم‌ترین مسئله کشور در سال گذشته موضوع اقتصاد و معیشت مردم بوده است، راهبرد اصلی کشور را مهار تورم و رشد تولید بیان کردند.

در ادامه پس از تبیین چرایی اهمیت کنترل تورم و

رشد تولید به بررسی برخی الزامات تحقق این شعار

خواهیم پرداخت.

پرونده اقتصاد ایران در دهه ۹۰ در حالی بسته شد که نرخ‌های رشد پایین و بعضاً منفی، تورم‌های بالای ۳۰درصد در اکثر سال‌ها، جهش‌های ارزی، تشکیل سرمایه ثابت منفی، کاهش قدرت خرید خانوارها، نااطمینانی‌های سیاسی و کسری بودجه مزمن

مؤلفه‌های اساسی و پرتکرار این سال‌ها بودند.

هنگامی که اقتصادی دچار تورم مزمن، نااطمینانی و ناتوانی کارگزاران اقتصادی در پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصاد می‌شود، موجب جذاب‌شدن فعالیت‌های نامولد، تغییر فرهنگ اقتصادی و افزایش انتظارات تورمی شده و این انتظارات به صورت خودمحقق‌شونده موجب مزمن شدن تورم و تلاوم حرکت این دومینوی مخرب می‌شود.

روزنامه جوان | شماره ۶۷۳۳

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۸۸۴۹۸۴۳۳

«جوان» تأثیر وضع مالیات در رشد تولید را بررسی می‌کند

رشد تولید» می‌خواهید انباشت سرمایه را متوقف کنید



درآمد دولت در یافت شود یا تنظیمی باشد. عمده مالیات‌های درآمدی شامل چند بخش از جمله مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر عملکرد، مالیات بر درآمد و مالیات بر ثروت هستند.»
حقوقی، مالیات بر حقوق و مالیات تولیدی است. اتفاق مهمی که در چند سال اخیر در لایحه و قانون بودجه رخ داد، به نحوی بوده است که نرخ مالیات برای واحدهای تولیدی را در قانون بودجه کاهش دادند، به طوری که اسامال از ۲۵درصد به ۱۸درصد رسیده است و می‌توان این اقدامی مثبت تلقی کرد، به نحوی که کاهش هزینه تمام‌شده تولید، برای رشد تولید واحدهای تولیدی مؤثر است.»

ملکزاده در توضیح ارتباط مالیات بر مشاغل و رشد تولید نیز می‌گوید: «اگر در تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم لحاظ شود، برای مشاغل کمک بزرگی محسوب می‌شود تا مالیات به نسبت کمتری

بر پرداخت کنند، البته تبصره ماده ۱۰۰ مالیات‌های مستقیم، باعث شده است مشاغل تا یک سقفی میزان فروش داشته باشند و به اظهارنامه‌های مالیاتی نیازی نیست و این سقف به دنبال اتفاقات سال گذشته مناسب است، به طوری که بسیاری از مشاغل مشمول ارائه اظهارنامه نشدند و به موجب این مهم مالیات‌های کمتری پرداخت کردند.»

وی با اشاره به مالیات بر ارزش افزوده می‌گوید: «با توجه به اینکه مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر مصرف است و این نوع مالیات به طور مستقیم نرخ ۹درصد را به قیمت کالا می‌افزاید و به نوعی در مهار تورم مؤثر است و این امر اقدامی مثبت تلقی کرد، به نحوی که کاهش هزینه تمام‌شده تولید، برای رشد تولید واحدهای تولیدی مؤثر است.»

ملکزاده در توضیح ارتباط مالیات بر مشاغل و رشد تولید نیز می‌گوید: «اگر در تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم لحاظ شود، برای مشاغل کمک بزرگی محسوب می‌شود تا مالیات به نسبت کمتری

دست نرود و کاهش درآمد مالیاتی از این ناحیه وجود نداشته باشد، البته کل درآمد مالیاتی بر تورم اثر گذار است و اگر کمبود درآمد مالیاتی بر کسری بودجه اثر گذار باشد، تورم ایجاد خواهد شد.»

این کارشناس اقتصادی در ارتباط با اثر مالیات در مهار تورم عنوان می‌کند: «کارکرد دیگر مالیات تحت عنوان کارکرد تنظیم‌گری است. اگر در بحث مالیات بر ثروت، به‌طورمثال بحث مالیات بر املاک و خودروهای لوکس راه‌به‌طور جدی دنبال کنیم، موصوبه مجلس در این خصوص نسخه‌ای قوی نبود اما اثر چنین مالیات‌هایی ایجاد شود، به طوری که از انباشت ثروت و منابع مالی در اقتصاد جلوگیری شود، می‌توان به رشد تولید کمک کرد و در ارتباط با مشکل کمبود سرمایه در گردش برای تولیدکنندگان با این نوع مالیات، تنظیم‌گری انجام داد و از منجمد شدن منابع مالی در اقتصاد جلوگیری کرد تا در چرخه اقتصاد به کار گرفته شوند و به رشد تولید و مهار تورم کمک شود.»

ملکزاده برای مهار تورم، به مالیات بر عایدی بر سرمایه

با توجه به اینکه مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر مصرف

است و این نوع مالیات به‌طور مستقیم نرخ ۹درصد را به قیمت کالا می‌افزاید و به نوعی در مهار تورم مؤثر است اما پیشنهاد می‌شود نرخ این مالیات کاهش پیدا کند، البته انجام آن به قانون نیاز دارد و دولت نمی‌تواند رأساً این کار را انجام دهد.

به‌طورمثال بحث مالیات بر املاک و خودروهای لوکس راه‌به‌طور جدی دنبال کنیم، موصوبه مجلس در این خصوص نسخه‌ای قوی نبود اما اثر چنین مالیات‌هایی ایجاد شود، به طوری که از انباشت ثروت و منابع مالی در اقتصاد جلوگیری شود، می‌توان به رشد تولید کمک کرد و در ارتباط با مشکل کمبود سرمایه در گردش برای تولیدکنندگان با این نوع مالیات، تنظیم‌گری انجام داد و از منجمد شدن منابع مالی در اقتصاد جلوگیری کرد تا در چرخه اقتصاد به کار گرفته شوند و به رشد تولید و مهار تورم کمک شود.

اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مالیات از دو منظر می‌تواند به رشد تولید و مهار تورم کمک کند، از جمله اینکه مالیات بر عایدی بر سرمایه با هدف هدایت منابع مالی از فعالیت‌های غیرمولد به سمت فعالیت‌های مولد و تولیدی باشد که به رشد تولید کمک خواهد کرد. از سوی دیگر جلوگیری از فعالیت‌های غیرمولد موجب خواهد شد بانک‌ها به عنوان موتور خلق پول در کشور، خلق پول و تولید نقدینگی درون‌زا نداشته باشند، پس با صرف‌نظر کردن از فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه در اقتصاد، تولید نقدینگی به وجود نمی‌آید و تولید نقدینگی توأم با انجام یک فعالیت اقتصادی با ارزش افزوده در اقتصاد کشور خواهد بود.»

به گفته وی، در سال‌های اخیر یکی از آسیب‌های اصلی جدی از ناحیه خلق پول و افزایش نقدینگی، بیشتر به دلیل این بوده است که متنأسفته نقدینگی و منابع مالی در اقتصاد کشور به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق پیدا کرده و هیچ ارزش افزود‌های هم در اقتصاد ایجاد نشده و در عوض به خلق پول از فعالیت‌های غیرمولد منجر شده است، بنابراین باید قانونی شدن و اجرائی شدن مالیات بر عایدی بر سرمایه‌یگیری شود.»

جمع‌بندی

به نظر می‌رسد به منظور کمک به رشد تولید که لازمه مهار تورم است، باید با وضع و اجرای قوانین در یافت مالیات از عایدی سرمایه، مانع انباشت سرمایه شد و به‌گواه بررسی‌های پیکتی، اخذ مالیات از ثروت، راهی برای برون‌رفت از نابرابری نرخ بازده سرمایه با نرخ رشد اقتصادی است.

به‌گفته وی، در سال‌های اخیر یکی از آسیب‌های اصلی جدی از ناحیه خلق پول و افزایش نقدینگی، بیشتر به دلیل این بوده است که متنأسفته نقدینگی و منابع مالی در اقتصاد کشور به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق پیدا کرده و هیچ ارزش افزود‌های هم در اقتصاد ایجاد نشده و در عوض به خلق پول از فعالیت‌های غیرمولد منجر شده است، بنابراین باید قانونی شدن و اجرائی شدن مالیات بر عایدی بر سرمایه‌یگیری شود.»

شده، مدون و هم‌افزا در نظام بانکی، نظام مالیاتی و بودجه‌ریزی، دستگانه دیپلماسی اقتصادی- سیاسی برای جانمایی در نظم جدید، ساختار نهادی و قواعد فعالیت اقتصادی هستسبیم با بتوانیم این دو مهم را در کنار یکدیگر جمع و یک بار برای همیشه تورم‌های ساختاری را از اقتصاد ایران ریشه‌کن کنیم، البته واضح است که این امر دفعی نیست و زمانبر است.

در راستای مهار تورم ناشی از جاذبه تقاضا و رشد تولید باید با کنترل نرخ نام‌ه بانک‌ها و هدایت هوشمند نقدینگی به سمت صنایع پیشران شناسایی شده مطابق برنامه توسعه صنعتی از خلق پول بی‌ضابطه و اعطای تسهیلات به اشخاص وابسته و فعالیت‌های نامولد جلوگیری کرد. به علاوه باید با تنظیم مالیه عمومی دولت از طریق اصلاح نظام مالیاتی، مولدسازی دارایی‌ها، کاهش هزینه‌ها و چابک‌سازی بخش دولتی کسری بودجه را کاهش داد. از سوی دیگر برای کنترل نرخ ارز علاوه بر کنترل رشد نقدینگی و پایه پولی باید اهتمام ویژه‌ای به مناسبات بین‌المللی و دیپلماسی فعال اقتصادی داشت و با استفاده از ظرفیت پیمان‌های اقتصادی دو جانبه یا چندجانبه اقدام به جانمایی اقتصاد کشور در نظم جدید بین‌المللی و شناسایی بازارهایی برای محصولات داخلی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی کرد تا از این‌مدخل ریسک‌های سیاسی سایه‌افکننده در اقتصاد کشور کم‌رنگ شود و با افزایش جریان درآمدهای ارزی، نرخ ارز در یک کانال مدیریت شده حرکت کند.

برای مهار تورم ناشی از فشار هزینه و رشد تولید باید عرصه اقتصادی کشور را رقابتی‌تر کنیم و با استفاده از سازوکارهایی که به بهبود بهره‌وری سرمایه و نیروی کار منجر می‌شود، هزینه‌های تولید را کاهش دهیم. برخی از این سازو کارها همچون معافیت مالیاتی برای بخش‌های مولد و ارزآور و وضع مالیات بر فعالیت‌های نامولد باید توسط دولت صورت بگیرد و بخشی از این سازوکارها همچون مشارکت نیروی کار در سود حاصل از فروش بیشتر باید در حاکمیت شرکتی بنگاه‌ها تصمیم‌سازی شود. از سوی دیگر دولت باید بر زنجیرهای تأمین و توزیع نهاده‌های واسطه‌ای نظارت کافی صورت دهد تا از قیمت‌گذاری‌های دلخواهی و کسب‌وسه‌های سوداگرانه جلوگیری کند.

در انتها باید مجدداً خاطر نشان کرد که مهار تورم و رشد تولید ترکیبی هم‌افزا بوده و حرکت در این مسیر برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور گریزناپذیر است، هرچند این حرکت، حرکتی سخت با مقاومت‌ها، کار شکنی‌ها و خصومت‌های بسیار است.

● پژوهشگر اقتصادی



وحید عظیم‌نیا



عبرت اقتصادی دهه ۶۰ برای دهه پنجم انقلاب

مسئله «اقتصاد» طبق روال سال‌های اخیر، گرانگناه بیانات رهبر حکیم انقلاب در سخنرانی ابتدای سال نو در حرم رضوی بود و ایشان با تشخیص دقیق مشکل امروز کشور، راهکارهای حل آن را نیز اعلام و نامگذاری سال یعنی «مهار تورم، رشد تولید» را تشریح کردند.

طبعاً ضرب موقفیت مهار تورم و رشد تولید در گرو همت مسئولان اجرائی است که باید بدون گیر کردن در باتلاق «عارض منافع» و حذف برخی مسئولان فاسد و تا‌کار آمد از بدنه اجرائی، به تحقق ریھافت اقتصادی سال پیش‌رو اهتمام ورزند.

یکی از تاکیدات رهبر معظم انقلاب که به انجای مختلف در برهه‌های متعدد نیز مطرح شده «ورود مردم به مسائل اقتصادی کشور» است. به تأکید دقیق ایشان، این مهم یکی از راه‌های برون‌رفت از مشکلات است. برای دستیابی به چنین هدف مهمی، دولت باید نقش نظارتی خود را افزایش دهد.

در همین راستا ایشان در سخنرانی ابتدای سال فرمودند: «شاید بشود گفت مهم‌ترین مشکل اقتصاد ما تصدی‌گری دولتی است. بیشترین توجه ما در دهه ۶۰ به این مسئله بود که کلید اقتصاد کشور را به دولت بسپरیم، این به اقتصاد ما ضربه زد، این مربوط به خود ماست، ما خودمان کردیم. شاید مهم‌ترین نقطه ضعف اقتصاد ما تصدی‌گیری افراطی دولت است. وقتی که مردم از مدیریت اقتصادی و فعالیت اقتصادی کنسار می‌مانند، کارهای بزرگ، شرکت‌های مهم، تولیدهای ثروت‌ساز برای کشور در اختیار دولت قرار می‌گیرد و در اختیار فعالان اقتصادی از مردم قرار نمی‌گیرد، همین مشکلاتی پیش می‌آید که ما امروز در اقتصادمان مشاهده می‌کنیم. مهم‌ترین مشکل ما «دولتی بودن اقتصاد» است.» مرور

تصمیم‌گیری‌ها و مواضع تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اقتصادی دهه ۶۰ گویای مطالب زیادی است که می‌تواند عبرتی برای دهه پنجم انقلاب اسلامی باشد. در این برهه دو تفکر اقتصادی شکل گرفته بود و طیف موسوم به «جنح‌چپ» معتقد به دخالت بیشتر دولت در تخصیص و توزیع منابع در مراحل مختلف بود، در مقابل طیف دیگری موسوم به «جنح راست» معتقد بود باید دخالت دولت در حوزه اقتصادی کمتر باشد و فعالیت بخش خصوصی فعال شود اما قدرت جناح چپ به دلیل در اختیار داشتن دولت و البته برخی اقتضات آن روز چریب‌د اقتصاد هر روز دولتی‌تر شد تا جایی که صدای برخی کارشناسان سازمان برنامه‌بودجه نیز شنیده نشد. محسن نوربخش، محمدجواد ایرانی، حسین نمازی، بهزاد نبوی، مصطفی علی‌نسب، سید محمد طبیعیان، مسعود روغنی زنجانی، حسین نادلی، حسن نقتی بانکی، علینقی مشایخی، حسن عادل‌ی و بایزید مردوخ‌ی از جمله چهره‌های مؤثر اقتصادی دهه ۶۰ به شمار می‌روند که مواضع متفاوتی داشتند و مرور مواضع برخی از آنها در سال‌های بعد، نشان از مسیر ناصحیح اقتصادی دهه ۶۰ است.

به ادعان برخی از این چهره‌ها به‌به گواه کتاب «اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی»، ایراد اصلی تصمیم‌گیری‌های دهه ۶۰ گرایش بیش از حد دولت به اقتصاد دولتی و کوبنی بود و ریشه آن به ستاد اقتصادی مستقر در نخست‌وزیری بر می‌گردد، به طوری که نگاه مثبتی به فعالیت‌های بخش خصوصی به معنی حضور مردم در اقتصاد و کم کردن نقش دولت در حوزه‌هایی که رانت‌زا بود، نداشت. نتیجه چنین رویکردی، ضمن حذف مردم از ساختار اقتصادی کشور، تولید انبوهی «تازه به دوران رسیده» شد که یک شبه رده صد سال پیموند و با رانت‌های ایجادشده در اقتصاد بسته دولتی، به ثروت‌های بادآورده رسیدند.

شاید بی‌توجهی دولت در دهه ۶۰ به انگیزه‌های حرکت اقتصاد از جمله رقابتی بودن آن، یکی از کژفهمی‌های اقتصادی آن دوران بود که طبعاً خروجی آن، کنشدن چرخش چرخ اقتصاد است. البته متأسر بودن برخی مسئولان دهه ۶۰ دیدگاه‌های چپ‌گرایانه آن زمان، در سوق دادن اقتصاد دهه ۶۰ سوی دولتی شدن بی تأثیر نبوده است، چه آنکه استدلال برخی تصمیم‌گیران از جمله نخست‌وزیر وقت به گفته مسعود روغنی زنجانی «عمدتاً اجتماعی و عاطفی بود و کمتر از واقعیت اقتصادی نشئت می‌گرفت». البته به گفته هومو، سال ۶۷ مشخص شد دولت به تنهایی نمی‌تواند چرخ اقتصاد را بچرخاند و این بحث که «به مردم میدان دهید» به‌طور بسیار ظریف و دقیق در حال شکل گرفتن بود. به زعم همان مسئولان اقتصادی اوایل انقلاب، اگر دولت نگاه مثبت‌تری به اقتصاد بخش خصوصی داشت، هم می‌توانست جلوی ناسانمایی‌ها و رانت‌ها را بگیرد و هم می‌توانست بنیان اقتصاد کشور را تقویت کند.

الزام دولت به کاهش تصدی‌گری اقتصادی در حالی است که قوانین بالادستی به خوبی تکلیف را تعیین کرده و دولت مکلف به تبعیت از آن است.
سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بهاز ۱۳۴۷ به استناد بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی که تعیین سیاست‌های کلی نظام را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در حیطه اختیارات و وظایف رهبر معظم انقلاب قرار داده است، از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی به سران قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد.

اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی ایران را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم کرده است. طبق فرآز ابتدایی جزء یک بند الف این سیاست‌ها، دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هر گونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه حداقل ۲۰در صد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند، البته از عملکرد شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که طبق ماده ۴۱ قانون اجرای این سیاست‌ها با حضور بیش از ۲۰عضو حقوقی و حقیقی تشکیل شده است، اطلاعات شفاف و دقیقی در دسترس نیست و ارزیابی دقیقی نیز از اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی وجود ندارد.

به هر روی مسیر دخالت گسترده دولت در اقتصاد، منهای وظیفه تنظیم‌گری، یک بار در دهه ۶۰ زرموده شده و به‌گواه مسئولان دست‌اندر کار اقتصادی همان برهه، تبعات منفی داشته است، بنابراین این دولت فعلی باید نسبت به کاهش تصدی‌گری‌ها و افزایش دخالت مردم در اقتصاد تلاش کند و از سوءاستفاده طبقه بیکارگش‌ی هزار چهره رانتخوار که همچون اختاپوس در نهادهای مختلف ریشه دوانده و چون زالو خون مردم را در شیشه می‌خواهند، جلوگیری کند. تحول اقتصادی به عمل نیاز دارد نه شعارهای صن به غاز.